



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۸ مهر ۱۳۹۲

موضوع کلی: استعمال

مصادف با: ۲۴ ذی القعدة ۱۴۳۴

موضوع جزئی: مطلب دوم: حقیقت مجاز

جلسه: ۱۱

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

در باب مجاز عرض کردیم سه قول وجود دارد؛ یکی قول مشهور، دیگری قول سکاکی و سوم قول مرحوم مسجدشاهی. این یک نزاع در باب مجاز است که مجاز چیست و استعمال مجازی به چه معناست. در قول اول که قول مشهور است یک نزاع جریان دارد که ما آن را مورد رسیدگی قرار دادیم، مشهور معتقدند استعمال مجازی عبارت است از: استعمال لفظ در غیر موضوع له. اما اختلافی که بین مشهور واقع شده این است که مجوز استعمال یک لفظ در غیر معنایی که برای آن وضع شده چیست؟ و به چه مجوزی می توان لفظ را بر خلاف آنچه برای آن وضع شده در یک معنای دیگری استعمال کرد؟ عده ای گفته اند: مصحح چنین استعمالی وضع واضح است و عده ای دیگر معتقدند: مصحح این استعمال طبع و ذوق سلیم است که ما این نزاع را مورد بررسی قرار دادیم و معلوم شد اگر ما نظر مشهور را در باب تعریف مجاز و معنای آن بپذیریم باید قائل شویم به اینکه صحت استعمال مجازی تابع ذوق و طبع سلیم است، یعنی هر جایی ذوق سلیم استعمال لفظ در غیر موضوع له را بپسندد این استعمال، مجازی است و محدود به علاقات بیست و پنج گانه مذکور در علم معانی و بیان نخواهد بود. پس اگر کسی در باب مجاز نظر مشهور را نپذیرد قهراً وارد این نزاع هم نخواهد شد که استعمال لفظ در غیر موضوع له تابع وضع است یا ذوق سلیم؟

بررسی قول مشهور:

بعد از بیان قول مشهور و نزاعی که بین خود مشهور جریان دارد باید قول مشهور را بررسی کنیم ببینیم صحیح است یا نه؟

مهمترین اشکالی که به نظریه مشهور وارد است این است که اگر مجاز عبارت از استعمال لفظ در غیر ما وضع له باشد به طور کلی کلام از لطافت و ظرافت و بلاغت خارج می شود و کلام هیچ لطفی نخواهد داشت، مجاز اساساً برای زیبا کردن و لطافت دادن به کلام است و گرنه بی جهت لفظی را که برای معنایی وضع شده در غیر آن معنی بکار نمی برند، اگر به جای «رأیت رجلاً شجاعاً» می گویند: «رأیت اسداً یرمی» به خاطر این است که می خواهند کلامشان از یک نوع لطافت برخوردار باشد، پس همه تلاش اهل لسان در استفاده از ابزاری مثل کنایات، استعارات، مجازات و صنایع ادبی دیگر این است که کلام را به ظرائف و لطائف ادبی بیچانند. پس اگر غرض از این استعمالات و صنایع ادبی، لطافت و بلاغت است

این معنی و تفسیر از مجاز که گفته شود مجاز عبارت است از: استعمال لفظ در غیر ما وضع له، هیچ گونه ظرافت و لطافتی ندارد.

توضیح مطلب اینکه اگر ما بگوییم لفظ «اسد» برای «حیوان مفترس» وضع شده و «حیوان مفترس» معنای حقیقی «اسد» است ولی این لفظ را می‌توان در چیزهایی که با این معنی مشابهت دارند بکار برد؛ مثلاً به علاقه مشابهت لفظ «اسد» را استعمال کنیم ولی کنار آن قرینه‌ای بگذاریم و از آن اراده کنیم رجل شجاع را، حال اگر بگوییم مجاز استعمال لفظ در غیر موضوع له است یعنی «اسد» گفته شده اما از آن «رجل شجاع» اراده شده لذا هیچ فرقی بین «رأیت اسداً یرمی» و «رأیت رجلاً شجاعاً» وجود نخواهد داشت و فقط الفاظ این دو عبارت عوض شده، در «رأیت رجلاً شجاعاً» متکلم ادعا می‌کند مرد شجاعی را دیده (طبق نظر مشهور) و در «رأیت اسداً یرمی» هم ادعا می‌شود مرد شجاعی را دیده، چون «اسد» به قید قرینه «یرمی» به معنای رجل شجاع است لذا فرقی بین این دو عبارت نیست و هیچ لطافتی در «رأیت اسداً یرمی» وجود ندارد، پس اگر لفظ «اسد» در غیر ما وضع له یعنی در معنای رجل شجاع استعمال شود در این صورت اسدیت و شیر بودن آن کنار می‌رود و معنای آن رجل شجاع می‌باشد، لذا استعمال لفظ اسد در معنای رجل شجاع که معنای غیر موضوع له آن است هیچ لطافت و ظرافتی ندارد. درست است که تشابه بین رجل شجاع و اسد وجود دارد ولی آنچه لطافت دارد این است که متکلم بگوید من شیر دیدم البته نه آن شیر حقیقی، نه اینکه بگوید من مرد شجاعی را دیدم، چون اگر متکلم بخواهد بگوید «رأیت اسداً یرمی» و منظورش این باشد که مرد شجاعی را دیدم که هیچ لطافتی در پی ندارد و در این صورت نیازی به استفاده از عبارت «رأیت اسداً یرمی» نیست بلکه از همان ابتدا می‌گوید: مرد شجاعی را دیدم. پس مهمترین اشکال به مشهور این است که اگر طبق نظر مشهور مجاز را عبارت از استعمال لفظ در غیر ما وضع له دانستیم کلام هیچ گونه لطافت و ظرافتی نخواهد داشت و نه تنها در بعضی موارد لطافت کلام از بین می‌رود بلکه در بعضی موارد کلام غلط خواهد بود، البته این اشکالی که متوجه مشهور است بر گرفته از سخنان سکاکی و ادله‌ای است که او برای مدعای خودش اقامه کرده است. پس اجمالاً قول اول که نظر مشهور است مبنی بر اینکه مجاز عبارت است از استعمال لفظ در غیر ما وضع له، قابل قبول نیست چون موجب خروج کلمات مجازی از دایره لطافت و ظرافت و بلاغت می‌شود که باید در این گونه استعمالات تعقیب شود.

قول دوم: سکاکی

اگر بخواهید نظریه سکاکی را به تفصیل بدانید به کتاب مختصر، مطول و همچنین مفتاح العلوم^۱ سکاکی مراجعه کنید. سکاکی به مشهور اشکال می‌کند و نسبت به بخشی از کلام مشهور با آنها موافقت و نسبت به بخشی دیگر از کلام با آنها مخالفت می‌کند. در استعاره با مشهور مخالف است و در مجاز مرسل نظر مشهور را می‌پذیرد و در واقع قول سکاکی یک نحوه تفصیل بین استعاره و مجاز مرسل است.

۱. مفتاح العلوم، ص ۱۵۸-۱۵۶.

فرق استعاره با مجاز مرسل این است که استعاره، مجازی است که علاقه‌اش از نوع علاقه مشابهت باشد اما مجاز مرسل به مجازاتی اطلاق می‌شود که مستند به علاقات دیگر مثل علاقه سببیت و مسببیت، علاقه حالّ و محلّ و امثال آن غیر از علاقه مشابهت باشند.

سکاکی در باب استعاره می‌فرماید: استعاره یک حقیقت لغوی است یعنی لفظ در معنای لغوی و موضوع‌له خودش استعمال شده ولی به کمک یک تصرف عقلی، یعنی بر خلاف مشهور می‌گوید استعاره یا مجازی که دارای علاقه مشابهت باشد استعمال لفظ در غیر ما وضع له نیست آن گونه که مشهور گفته‌اند، بلکه این یک حقیقت لغوی است؛ برای اینکه ما دو گونه وضع داریم؛ وضع بالتحقیق و وضع بالتأویل. وضع بالتحقیق یعنی آن که حقیقتاً وضع شده؛ مثلاً اگر لفظ «اسد» برای حیوان مفترس وضع شود، این وضع بالتحقیق خواهد بود یعنی حقیقتاً حیوان مفترس، موضوع له لفظ «اسد» است اما وضع بالتأویل آن است که حقیقتاً وضعی صورت نگرفته اما تأویل به وضع برده می‌شود و عقل ما این کار را می‌کند به این نحو که عقل در معنای موضوع‌له تصرف کرده و معنای آن را توسعه داده و افراد جدید و مصادیق جدید و ادعایی برای آن درست می‌کند؛ مثلاً حیوان مفترس فرد حقیقی معنای «اسد» است اما عقل ما این معنی را توسعه می‌دهد و می‌گوید هر چیزی هم که در شجاعت مشابه با «اسد» باشد کأنَّ «اسد» است لذا درست است لفظ «اسد» برای آن چیزهایی که در شجاعت مشابه حیوان مفترس هستند وضع نشده اما ادعائاً به صورت وضع بالتأویل گویا این لفظ برای آن معانی مشابه هم وضع شده است، پس گویا «اسد» دو فرد پیدا می‌کند؛ یک فرد حقیقی که حیوان مفترس می‌باشد و یک فرد ادعایی که رجل شجاع است، لذا رجل شجاع در واقع فردی از افراد «اسد» است پس تصرف در واقع در یک امر عقلی صورت گرفته چون چیزی را که حقیقتاً از افراد موضوع‌له نیست از افراد موضوع‌له قرار داده شده لذا وقتی گفته می‌شود: «رأیت اسداً یرمی» لفظ «اسد» در معنای رجل شجاع استعمال نشده بلکه در فرد ادعایی از «اسد» استعمال شده یعنی می‌گوید: من شیر دیدم لکن نه شیر حقیقی بلکه شیری که در خانه زندگی می‌کند لذا این نحوه استعمال، استعمال در غیر ما وضع له نیست بلکه استعمال در ما وضع له است چون لفظ «اسد» در خود موضوع‌له آن استعمال شده لکن در فرد ادعایی آن نه حقیقی و به همین خاطر استعاره یک حقیقت لغوی است و در این صورت که لفظ در معنای موضوع‌له ادعایی خود استعمال شده، لطافت کلام هم محفوظ است، پس وقتی کسی لفظ را در معنای مجازی خودش استعمال می‌کند منظور از مجاز، استعمال در غیر ما وضع له نیست تا گفته شود لطافت و ظرافتی ندارد بلکه منظور استعمال در موضوع له ادعایی است.

پس اختلاف سکاکی با مشهور در استعاره است، یعنی ایشان بر خلاف مشهور می‌گوید استعاره استعمال فی غیر ما وضع له نیست بلکه استعمال در ما وضع له است لکن این ما وضع له حقیقی نیست بلکه تأویلی و ادعایی است و این کار توسط عقل صورت گرفته که در معنای موضوع‌له لفظ توسعه داده است.

دلیل:

سکاکی برای مدعای خود چند دلیل ذکر می‌کند که مهمترین دلیل ایشان استناد به بعضی موارد است که اگر در این موارد ما ملتزم به نظر مشهور شویم یا کلام غلط خواهد بود و یا ظرافت و لطافت نخواهد داشت؛ از جمله اینکه ایشان چند شعر را ذکر می‌کند که ما به یک نمونه اشاره می‌کنیم:

قامت تظللنی من الشمس	نفسٌ اعزُّ علیّ من نفس
قامت تظللنی و من عجب	شمسٌ تظللنی من الشمس

شاعر می‌گوید: معشوقه من ایستاده و سایبانی شده برای من در برابر خورشید، کسی که برای من از خودم عزیزتر است، در بیت بعد می‌گوید: این معشوقه ایستاده و سایبان برای من درست کرده و عجیب این است که یک خورشید سایه درست کرده در مقابل یک خورشید دیگر.

شاهد مثال این است که اگر منظور از «شمس» اول در «شمس تظللنی من الشمس» را که قطعاً در معنای مجازی شمس استعمال شده طبق نظر مشهور معنی کنیم و بگوییم در معنای غیر ما وضع له خودش که معشوقه و جاریه باشد استعمال شده اشکال این است که این نحوه استعمال تعجب ندارد چون سایه درست کردن معشوقه تعجب ندارد چون هر چیز دیگری غیر از او هم که مقابل خورشید بایستد سایه درست می‌کند لذا این استعمال غلط است چون سایه بان شدن معشوقه تعجب ندارد بلکه تعجب زمانی است که یک «شمس» در مقابل «شمس» دیگر سایبان درست کند و این در صورتی است که ما بگوییم مراد از استعمال مجازی استعمال لفظ در فرد ادعایی خود است و در این مثال تعجب از این است که یک فرد ادعایی از «شمس» در مقابل فرد حقیقی «شمس» سایه درست کرده است پس این «شمس» که استعاره است معنای مجازی است اما نه معنای غیر موضوع له آن گونه که مشهور گفته‌اند بلکه منظور خود معنای موضوع له است لکن منظور فرد ادعایی از موضوع له است نه فرد حقیقی.

بحث جلسه آینده: کلام سکاکی را انشاء الله در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»